

مدینه فاضله در اسلام و ایران

احمدپناهی «پناهی سمنانی»

مقدمه

مدینه فاضله که در آثار فرهنگی منظوم و منثور تمامی ملل بازتاب دارد، رویایی است آرمانی که نباید آنرا دور از قلمرو خرد، خلاقیت و اراده انسان، و از نوع پیشگویی‌ها و آینده‌شناسی‌های فریبکارانه ساحران، برای تسخیر اذهان ساده و بسیط پنداشت.

یوتوپيست‌ها با قلبی دردمند از آلام جهان معاصر خود، به مدد اشراقی که از روح و اندیشه روشن خویش داشته‌اند، از جهانی که برای انسانیت آرزومی کرده‌اند، تصویرهایی ساخته‌اند و یقین داشته‌اند که هوشمندی انسان فراتر از آنست که نتواند این آرزوها را از رویا به عمل در آورد. آنها در دوروبر خویش رنج، بیماری، پلیدی، تبعیض و خون را می‌دیده‌اند و به علت‌ها نیز واقف بوده‌اند، اما ایمان خود را به انسان و فطرت اهورایی و خدایی او از دست نمی‌داده‌اند و همچنانکه به اصالت رویاهای خویش، در ساختن شهرهای خدایی و خورشیدی مومن بوده‌اند، به دگرگونی روحی بشر و بازگشت او به اصل خویش نیز باور داشته‌اند. باور داشته‌اند که بشر برای بهره‌یابی بی‌غش و سالم از دستاوردهای خود، ناچار است دگرگونی و نواقرینی را در خویش خویش پدید آورد و رابطه با نوع خود را تعدیل و هماهنگ سازد و اگر چیز این باشد، در بهشت خود آفریده‌اش، روی خویشی را نخواهد دید.

آنان می‌خواستند که بشر از درون احساس خویشی‌کنند. آنها نام‌های زیبایی همچون: شهر خدا، شهر پاکان، شهر آفتاب، شهر آرزو و... بر مدینه‌های آرمانی خویش گذاشته‌اند. ذنای آرمانی ایرانیان در فرهنگ باستانی، «جهان مینوی» و در فرهنگ اسلامی «بهشت» است که نماد عالی‌ترین مرحله زندگی، در شیواترین و سعادت‌بارترین شکل زیستی ایست و حصول آن تنها در پرتو تکامل و تزکیه عمیق روح و مجاهدت جان و تن میسر است؛ و نور در آنها، نماد خرد و دادگریست.



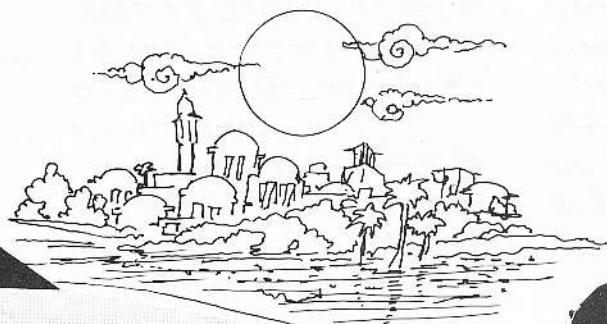
مدینه فاضله چیست؟

هریک از طراحان مدینه فاضله بر مبنای پیش‌های اعتقادی خود تعریف متفاوتی از مدینه فاضله داده‌اند. بر این اساس، منطقی‌باید برای هر مدینه‌ای تعریف خاص خودش را قائل شد اما اگر تعریفی بطور مطلق مورد نظر باشد، در تعریف «دائرة المعارف بریتانیکا» کلیاتی از این گونه آرمان‌ها می‌توان یافت و وجه مشترک قرارداد. بنابراین تعریف، مدینه فاضله عبارتست از:

شهری خیالی، که در آن همه چیز در نهایت کمال است و مردمش در نهایت آسودگی و بهترین حالات زندگی می‌کنند و ایشان از تعب‌های مردم زمینی و این جهان، نشانه‌ای ندارند!

بدین ترتیب نور و مصداقش خورشید؛ که روشنی و پاکی را تداعی می‌کند، در خیال طراحان مدینه فاضله سمبل‌های بهروزی و خرسندی انسان آینده هستند. آرمان شهرهای مدون و غیرمدونی مانند: جهان طبیعت‌گرای لائوتزه، انسان برتر کنفوسوس، مدینه فاضله افلاطون و فارابی، شهر خدای سن آگوستین، یوتوپییای تامس مور، شهر آفتاب کامپانلا، نیواتلانتیس فرانسیس بیکن و طرح‌ها و قالب‌های فکری گوناگون دیگر، همه و همه اندیشه‌هایی در جهت بهبود احوال انسان هستند.

در این وجیزه‌ای که تقدیم محضر ارباب دانش و اصحاب نظر می‌شود؛ بدنبال تعریف مختصری از مدینه فاضله، آرمانشهرها یا مدائن فاضله در ایران و اسلام موضوع بحث قرار می‌گیرند.



سوشیانت ها و موعوداتی که در هزاره‌ها برای نو کردن آئین جهان و افراختن داد و برافکندن بیداد ظهور خواهند کرد، از یکی از این شهرها و یا قلعه‌های خیالی رستاخیز می‌کنند.

در اوستا «گنگ دژ» نوعی بهشت زمینی است که ایرانیان گویا در وسط خاک توران ساخته‌اند. در باب ویژگی‌های این «بهشت» مطالب بسیار جالبی در روایات پهلوی و مآخذ اسلامی وشاهنامه ذکر شده است.^۱

به گزارش منابع پهلوی هنگامی که سیاوش به توران زمین رفت، این قلعه را بنا کرد. گفته‌اند که گنگ دژ «دستمند و پای‌مند و بیننده و رونده و همیشه بهار است» در آغاز کار، زیرزمین ساخته شده بود که جای دیوان است. کیخسرو آنرا بر زمین نشانده. دارای هفت دیوان: زرین، سیمین، پولادین، برنجین، آبگینگین و کاسگین، در میان هفت صد فرسنگ درازا راه است و آنرا پانزده در است که از هر در تا دری، بر اسب، به بیست و دو روز و به روز بهاری، به پانزده روز شاید شدن.^۲

این دژ چهارده کوه و شش رود قابل کشتیرانی دارد. زمین آن چنان حاصلخیز است که اگر خری در آن پشاده، در مدت یک شب، به بلندی انسان از خاک آن علف می‌روید. هریک از پانزده در، به بلندی پنجاه انسان است. فاصله هر دری از در دیگر هفت فرسنگ است. و در آن معادن غنی زر و سیم و سنگهای گرانبها و دیگر چیزها یافت می‌شود. پادشاه آن دژ «پیشوتن یا پشوتنو (peshotanu) یعنی مرد فناناپذیر و پیرناشدنی است. ساکنان گنگ دژ، در شادی و سربلندی و دین‌داری و پاک‌بسی بر می‌یابند و به ایرانشهر باز نمی‌گردند. مگر هنگامی که پیشوتن آنانرا برای جنگ با دشمنان ایرانشهر بدانجا فرو خواند و به یاری اهورامزدا و مهر اسپندان (امشاسپندان) آئین جهان را نو کند و دیوان را در روز رستاخیز از میان ببرد.

آینده‌نگری و نیک‌اندیشی و خدمت به حال کل آدمیزاد پدرا در فرهنگ خود، برای بشریت به ارمغان می‌آورد.

در افسانه‌ها و روایات باستانی و تاریخی ایران، مردان شایسته پارسا و پهلوانان ذکست‌ناپذیر از شهرها و قلعه‌ها و کاج‌های افسانه‌ای، برای تحقق این رسالت عظیم و خدایی، که همانا استقرار داد و بهی و برانداختن پلیدی و ستم و نارواست، ظهور خواهند کرد. در این شهرها و قلعه‌ها که خاستگاه و اقالیم رستاخیز این پارسیان اساطیری است، الزاماً قوانین و رسوم مطلوب جریان دارد که الگوهای آرمانی برای اقالیم دیگر و مردم دیگر است در متن‌های پهلوی از «هفت کاج» یا «هفت قلعه» با هفت رنگ که از فلزات ساخته شده، «هگمتانه» که هرودوت به آن اشاره کرده، «کاج افسانه‌ای کاووس» و «گنگ دژ» آگاهی داریم که شهرها و سرزمین‌هایی آرمانی هستند و باشندگان آنها مردمی نمونه‌اند و آداب و قوانین و رسوم نمونه دارند.^۳

در ادبیات عامیانه، قصص شایان‌نظری در این مایه باقی است. از چنین مایه‌ای با اشکال دیگر نیز در ادبیات دینی پهلوی و پس از آن، جلوه‌هایی یافت می‌شود:

اورمزد به اسپتامان زرتشت گفت که: به خواب خوشی که اورمزد داد، چه دیدی؟ زرتشت گفت: ای اورمزد مینوی افزونی... درختی دیدم که هفت شاخه بدان بود: یکی زرین، یکی سیمین، یکی روئین، یکی برنجین، یکی ارزیرین (از قلع)، یکی پولادین و یکی از آهن آوده.^۴

بدیهی است که نمی‌توان عناصر این تعریف را با نامی ویژگی‌های مدینه‌های فاضله متفکران مختلف تطبیق داد و چون قصد ما انعکاس تعاریف گوناگون دیگر نیست، از این مقوله در می‌گذریم.

جهان آرمانی در اندیشه‌ی ایرانیان:

مدار و محور بنیادی در «فرهنگ ایرانی» وحدت است. در اندیشه ایرانی، بر سرپای جهان، در آغاز حقت، حالت مینوی حکمفرما بود.

اهریمن، پس از آنکه شکم مادر خود «ژمان بیکران» را درید، تخم نفاق و دوگانگی افشاندند شد و رنج، نابینایی، پریشانی، بیماری و همه‌ی آنچه را که مدلول «بدی و پلیدی» است، ببار آورد. از آن پس، این وظیفه بزرگ در برابر انسان قرار گرفت که: بکوشد تا نیکی و بهی و هر آنچه را که مدلول نیکی و بهی است و صفات اهورامزدا را بازتاب می‌دهد، دیگر بار بر جهان مستقر سازد بنابراین بازآفرینی «جهانی مینوی» یا همان «مدینه فاضله» هدف والا و سترگ حامیان اهورا مزداست که «از لحظه آغاز تا همیشه» در برابرشان قرار دارد.

چنین است که قوم ایرانی، نمونه‌ای شگرف از مفهوم

علی الظاهر، آشخور رویاهای مدینه
فاضله در قلمرو متفکران اسلامی،
اندیشه‌های افلاطون است.

مدینه فاضله فارابی و اندیشه‌هایی را که
برخی از فرقه‌ها نظیر اخوان الصفا مطح
می ساختند، «واکنش‌های دفاعی و
جبرانی و ترمیمی، در جامعه اسلامی،
در برابر عوامل ایجاد اختلاف در
وحدت آن» شمرده می‌شود.

مدینه فاضله فارابی، اساس مذهبی و
الهی دارد و به همین جهت است که
نخست مباحث خداشناسی را مطرح
می‌کند و پس از آن به نظام آفرینش و
طبقات موجودات می‌پردازد.

در بنای «هفت کاخ» که کیکاوس در بلندی البرز
کوه برآورد - و آن کاخ‌ها یکی از زر، دو تا از سیم، دو تا
از پولاد و دو تا از بلور ساخته شده بودند - دیوان مازندران
زندانی شده بودند و بدین ترتیب، آشوب و سرکشی آنها در
ویرانی جهان، مهار شده بود.

هفت کاخ کیکاوس دارای اثری شگفت بود: آنچه
از خوراک و آشامیدنی در این کاخ بود، موجب
بخشدگی و جاودانگی بود. اگر کسی که پیری و ضعف
به او روی کرده بود، از نزدیک آن می‌گذشت، دوباره
جوانی و نشاط و سلامت خود را بازمی‌یافت. و به صورت
جوانی پانزده ساله در می‌آمد. به همین جهت کائوس
دستور داده بود تا همگان نزدیک این کاخ باشند تا دچار
بیماری و ضعف و مرگ نگردند.

از ویژگی‌های «وَر جَمکرَد varedgankard» یعنی
غاری که جمشید بنا کرده بود، یکی هم این بود که
مردمان در آن غار از بیماری و ضعف و مرگ بی‌می
نداشتند.^۴

مدینه فاضله در اندیشه متفکران اسلامی:

علی الظاهر، آشخور رویاهای مدینه فاضله در قلمرو
متفکران اسلامی، اندیشه‌های افلاطون است. تاثیر
افلاطون و نوشته‌های او در آثار اندیشمندان برجسته
اسلامی بازتاب یافته است. یکی از محققان می‌گوید:

مسلمانان از آغاز کوشش‌های علمی و فکری خود، به
نوشته‌های افلاطون و مخصوصاً رسالات سیاسی او توجه
خاص داشته‌اند. «حنین ابن اسحاق» پزشک و مترجم
معروف زمان خلیفه «متوکل» (قرن سوم هجری)
«جمهوریت» و «قوانین» او را به عربی بازگردانده بود. از
عنوان بسیاری از رسالات «ابویوسف یعقوب اسحاق
کندی» نخستین فیلسوف عرب، مانند: «گزارشی از
فضیلت سقراط» و «آنچه میان سقراط و خرتیان
گذشت»، پیداست که از نوشته‌های سیاسی یونانی؛
شاید متعلق به افلاطون، اقتباس کرده است.

به «احمد بن یوسف بن دایه متوفی به سال ۳۴۰
هجری» نیز رساله‌ای بعنوان «الکتاب السیاسیه
الافلاطون» منسوب است.^۵

در این گستره ما به یکی از مهمترین و مشهورترین
طرح‌های مدینه فاضله که منطبق با اندیشه‌های اسلامی،
یعنی مدینه فاضله فارابی و نیز به شرحی از ابن رشد، که
نمایانگر تمایلات و گرایش‌های او به مدینه رویایی
فاضله است، اشاراتی خواهیم داشت.

اشاره به نظریه‌ی رسد که اساساً این زمینه در اسلام،
ریشه‌ای با برجسته داشته است. از میان روایات اسلامی
در باب مدینه فاضله، طبری (محمد بن جریر، مکتبی به ابو
جعفر، ۲۲۶-۳۱۰ ه.ق) مورخ دانشمند و فقیه دانشمند

ایرانی، در تفسیر معروف خویش، در ضمن تفسیر آیه «و
من قوم موسی امة یهدون بالحق و یعدلون» از سوره اعراف،
از برخورد پیامبر اسلام (ص)، هنگام بزرگت از مروج،
با گروهی از بنی اسرائیل، شرح جالبی بدست می‌دهد.
از گفتگوی جناب پیامبر (ص) با این گروه، می‌توان
طرحی از یک مدینه فاضله اسلامی را یافت بخش‌هایی
از این گفتگو چنین است:

پیامبر، جواب و سؤال کرده و با ایشان گفت:

— این سرای‌های شما را و خانه‌ها، همه برابر

می‌بینم، چرا چنین است؟

گفتند:

— از بهر آنست که ما گروهی ایم که عیب بکدیگر

نکنیم که کسی کاری کند به نیک و بد.

دیگر پرسید که:

— بدین خانه‌های شما، هیچ در نمی‌بینم، چرا چنین

است؟

گفتند:

— از بهر آنکه ما کالای یکدیگر نیریم و دزدی

نکنیم و درهای خانه حاجت نباشد.

پس پیامبر ایشان را پرسید که:

— از شما هیچکس بیمار باشد؟

گفتند:

— یا رسول الله! بیمار آن باشد که گناه کند و ما همه

معصومیم از گناه، به دعای پیامبر، موسی بن عمران...

پس پیامبر پرسید ایشانرا، گفت:

— آیا شما را گوسفندان باشد؟

گفتند که:

— بلی باشند.

گفت:

— چه کنید ایشانرا؟

گفتند که:

— پشم ایشان بزریم و از آن لباس کنیم و گلیس

چندان، که ما را کفایت باشد و از گوشت ایشان جویم و

ما همه، مردمان این دیه، اندر اصل و فرع این گوسفندان

یکسانیم. هیچکس از ما، به چیزی از ایشان حق‌تر نیست

از دیگری، و نه زیادتی باشد، یکی را بر دیگری.

پس پیامبر پرسید که:

— شما از چه خویرید و از کجا خویرید؟

گفتند که:

— ما بدین کناره دریا روییم و آنجا پگاه، باروی

زمین کشت بکنیم، چندان که کفاف ما باشد و خدای

عز و جل از آسمان باران فرستد، تا بروید و بهروقتی که

آنها آب باید، همچنان حق تعالی، باران فرستد، تا آن

وقتی که آن برسد، و چون رسیده باشد می‌روب

این درویش] و برمی گردیم و آنچه به کار نیاید، همانجا بگذاریم.

پس پیامبر برسید که:

— شما زر و سیم در کنج خانه ها نهید؟
گفتند:

— یا رسول الله! زر و سیم کسی در کنجی نهد، که بر خدای استوار نباشد. آنکس که چنان داند که خدای او را روزی نتواند داد و بدهد، او را به زر و سیم و گنج، چه حاجت باشد؟^۹

از سویی مدینه فاضله در نزد آن دسته از متفکران اسلامی که از گوناگونی و اختلاف آراء و فرقه گرایی در عالم اسلام رنج می بردند و از طرق مختلف درصدد جابه نهدی بودند، همواره به نوعی مطرح بوده است. در جنبه اندیشه های گوناگونی که برای نیل به «وحدت» در میان برخی از فرقه و اندیشمندان مسلمان وجود داشته است پیامعای آرمائی، به دور از «اختلافات نژادی» مذهبی، طبقاتی، سیاسی و جغرافیایی، در جهان اسلام آرزوی شده است. این تمهیدات در حقیقت مبارزه ای گسترده و عمیق از سوی حامیان راستین اسلام، در برابر انحرافات و کجروی ها بوده است.

مدینه فاضله فارابی و اندیشه هایی را که برخی از فرقه ها نظیر اخوان انصفا مطرح می ساختند، «واکنش های دفاعی و جبرانی و ترمیمی» در جامعه اسلامی، در برابر عوامل ایجاد اختلاف در «وحدت آن»^{۱۰} شمرده می شود، از همین رو بود که آوازه گران «وحدت» و «جهان آرمائی» و «مدینه فاضله» در سرزمین های اسلامی از سوی دشمنان خود با انواع تهدیدها و خطرها روبرو بودند.

فارابی و مدینه فاضله او:

رنگارش رساله ای «فی مبادی آراء اهل المدینه الفاضله» یا اینکه گفته های ابونصر محمد بن محمد فارابی (۷ یا ۲۵۹ — ۳۳۹ ه.ق.)^{۱۱} از افلاطون متأثر است و در حقیقت نیز، «بسیاری از اصطلاحات سیاسی کتاب و آراء اهل مدینه فاضله» و «فصول المذنی» از افلاطون گرفته شده»^{۱۲} ولی این رساله از شهرتی بسنگ مدینه فاضله افلاطون — حداقل در جوامع اسلامی — برخوردار است و اهمیت آن، نه تنها در اینست که محتوای فلسفی آن در حقیقت با موازین اسلامی مطبق است، بلکه در اینست که به پندار او، محقق آن به «وحدتی» در جهان اسلام می انجامد که نتیجه ی آن پایان اختلافات و کجروی هاست و دستاوردش، سعادت و سلامت نفس و آرامش وجدانست. فارابی خود با وجدانی زلال و اعتقادی راسخ به «مدینه آرمائی» خود می اندیشد، و از همین جهت از تهدیدات و کینه توزی ها

و بددنی مخالفان نمی اندیشد:

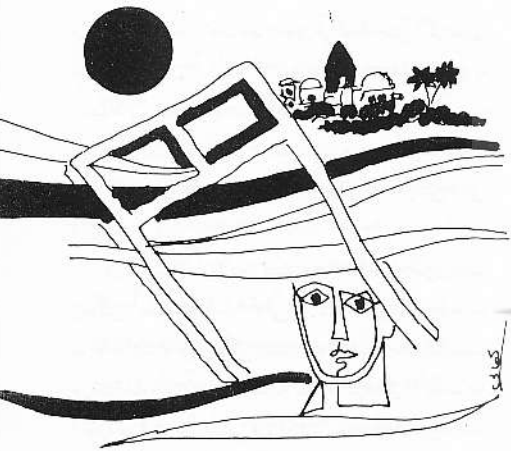
و جانبازانه با خطر تکفیر، دشنام و تهدید عوام مقابله می کند و به طرح هماهنگ «مدینه فاضله» که در نظر گونه اندیشان، بدعتی در برابر قرآن بشمار می رود قرآنی که خود مدعی خائست و کمال و مبشر مدینه سلامت و فاضله اسلام است تمام عمر، همت می گمارد و برای نخستین بار در تاریخ، تئوری «کشورهای همسود» و مشترک المنافع را برای حکومت بهتر و همزیستی مسالمت آمیز زمامداران — قرن ها پیش از پیشنهاد نظریه مشابه آن در غرب — عرضه می دارد. در حالیکه خود از این سود، قصد طرفی ندارد و زمانی که امر بسف الدوله مفروضی چشمگیری برای وی تعیین می کند، فارابی با مناعت طبع که نظیری، تنها به روزانه چهار درهم از آن؛ بخاطر ادامه مطالعه و تحریر، اکتفا می کند.^{۱۳}

در مرور بر فشرده آراء فارابی، باستناد اثر برجسته و مهم او، آراء اهل مدینه فاضله، در می یابیم که: هدف در مدینه فاضله فارابی، دستیابی به سعادت مطلق است. سعادت مطلق عبارتست از خیر و آن در تأمین رفاه و زندگی طبیعی تحقق می یابد. شمول این رفاه، فردی نیست بلکه رفاه اجتماعی منظور نظر است. اصل رفاه جمع است و رفاه جمع تأمین نمی شود مگر در تحت لوای ریاست فاضله، ریاست فاضله، ریاستی است که بر اساس عدالت باشد و عدالت امری است که ناشی از فضیلت و حکمت است.^{۱۴}

چنانکه اشاره کردیم، مدینه فاضله ای که فارابی طراحی می کند، اساس مذهبی و الهی دارد و به همین جهت است که نخست مباحث خداشناسی را مطرح می کند و پس از آن به نظام آفرینش و طبقات موجودات می پردازد. وی با دید کلی، نظام آفرینش جهان را — که در رأس آن علت العلل قرار دارد — مورد بررسی قرار می دهد و سپس به جهان طبیعت می پردازد و نظام موجود طبیعت را با طبقات موجود مرور می کند و کالبد انسان را که: خود جهان کوچکی است، بررسی می کند و سرانجام بدین نتیجه می رسد که: اعضاء و جوارح انسان، در طبقات مختلف قرار دارند و هر یک وظیفه ای خاص را عهده دار می باشند. همه در خدمت قلب اند و قلب عضوی است رأس مطلق و فرمانده کل همچنانکه در نظام آفرینش، اطاعت محض از فرمانده کل — که خدا باشد — ضروریست، در نظام خلقت انسان، اطاعت از قلب شرط است. پس از تطابق این نظام، نوبت به «نظام تشریح» می رسد. بعقیده فارابی، طبیعت آفرینش انسان و عالم اقتضا دارد که نظام جامعه بر اساس نظام خلقت باشد و آن اطاعت از رئیس است، بطور متصاعد [سلسله مراتب] تا برسد به رئیس اول. هرگاه کوچکترین اختلالی در نظام

فرماندهی قلب حاصل شود، قهرآ جهان تن در هم می ریزد و تباہ می شود و هرگاه در ریاست اول جامعه، نارسایی ایجاد شود، آن جامعه بسوی تباہی سوق داده می شود. ترکیب عوامل رهبری و سازمان اجرایی در مدینه فاضله فارابی عبارتست از:

رئیس اول: که انسان دیگری بر او ریاست ندارد. او، امام و رئیس اول امت فاضله و رئیس همه ی قسمت معموره زمین است. رئیس اول دارای دوازده خصلت فطریست که به موجب آنها باید: تمام الاعضا باشد (اعضای بدنش در ایفای نقش هایی که بدنها محول است، امکان و قدرت کافی داشته باشند)، صاحب ادراک و فهم و سریع التصور باشد، دارای قدرت حافظه باشد، دارای فطانت و هوشمندی باشد، خوش بیان و قادر به اظهار مافی الضمیر باشد، حریرص در خوراک و نوشاک و شهوت نباشد، دوستدار راستی و



دشمن دروغ باشد، نفس او، بزرگ و عالی مرتبه باشد، درهم و دینار و متاع دنیوی را خوار شمارد، دادگر و عادل باشد، و بالاخره صاحب عزم و اراده راسخ باشد.

و چون فردی که جامع همه ی این شرایط باشد، بدشواری در میان جامعه یافت می شود، لذا اخصال افرادی که لاقبل بخشی از این شرایط را دارند و به تدریج در سمت رئیس انجام وظیفه می کنند، اخذ و الگویی کار آیندگان می گردد و تثبیت می شود.

رئیس دوم: علاوه بر شرایطی که بر شمرده شد، شش شرط دیگر را داشته باشد: حکیم و دانا و نگهبان شرایع و سنت ها و روش های رئیس اول باشد، دارای قوت ادراک و استنباط، بر اساس اقتباس از روش و روح شریعت پیشوایان نخستین باشد، قادر به درک و دریافت احکامی باشد که حوادث آنها، تنها در زمان او به وقوع پیوسته اند، قدرت ارشاد و هدایت از راه گفتار منطبق با

شریعت پیشوایان نخستین را داشته باشد، و بالاخره تن او در مباشرت اعمال جنگی مقاوم و در کارها ثابت قدم باشد.

چنانچه این شروط در یک فرد جمع نباشد، ممکن است دو نفر یا بیشتر (حتی شش نفر) که هر کدام واجد یک رشته از این خصائل هستند، بالا جماع ریاست مدینه فاضله را عهده‌دار شوند. بدیهی است که وجود حکمت در رئیس و یا در ترکیب رؤسای دوّم، شرط اساسی است و اصولاً بدون حکیم، مدینه فاضله به تباهی کشیده می‌شود.

فارابی الگوهای متضاد مدینه فاضله را، مدینه‌های جاهلیه، فاسقه، متبذله، ضالّه می‌نامد و افرادی را که ناسازگار با مدینه فاضله هستند، در این مدائن جای می‌دهد.

مدینه جاهلیه جانیست که مردم آن سعادت راه نه می‌شناسند و نه به دل آنها خطور می‌کند؛ حتی اگر بسوی آن ارشاد شوند، از درک آن عاجزند. مدینه جاهله خود به مدینه‌هایی همچون: مدینه ضروریه، مدینه بداله، مدینه خست، مدینه کرامت، مدینه تغلبیه، مدینه جفاپه یا مدینه الاحرار تقسیم می‌شود که هر یک ویژگی‌هایی دارند.

در مدینه ضروریه، قصد و هدف مردم ضروریات زندگی است و آنچه تن آدمی بدان قوام می‌یابد، در مدینه بداله هدف غایی زندگی رسیدن به ثروت و مکت است، در مدینه خست قصد مردم بهره‌گرفتن از لذت‌ها (خوردنی‌ها، نوشیدنی‌ها، مباشرت‌ها و معاشرت‌های جسمانی و تمتع یافتن از امور محسوس لذت بخش و خیال‌انگیز و لهو و هزل و بازی) است.

نیست و تلاش مردم در مدینه کرامت، تعاون و یاری رساندن به یکدیگر بمنظور محبوب شدن و مورد اکرام قرار گرفتن و کسب شهرت از این طریق است. قهر و غلبه بر دیگران، هدف و قصد مردم در مدینه‌ی تغلبیه است و لذت و خوشی آنها تنها از این راه حاصل می‌شود و بالاخره هدف نهایی مردم در مدینه جماعیه یا مدینه الاحرار، آزادی و رهایی از هر قید و بندی است که در راه ارضاء هوی و هوس آنهاست.

در مدینه فاسقه، آراء و عقاید مردم، همان آراء و عقاید مردم مدینه فاضله است امام کردار و اعمالشان همانند افعال مردم مدینه‌های جاهله است.

مدینه مبدله مدینه‌ای است که پندار و کردار مردم، نخست همان عقاید و آراء و افعال مدینه فاضله بوده است، اما در طول زمان این اندیشه‌های خوب تغییر یافته و واژگون گردیده است.

و سرانجام مدینه فاضله، جانیست که مردمش در نهایت خواستار سعادت موردنظر مردم مدینه فاضله اند اما این سعادت مطلوب نزد آنها با معیار و توجیهاتی عنوان می‌شود که بوسیله آنها نمی‌توان به سعادت رسید.

رئیس اول در این نوع مدینه‌ها (مدینه‌های جاهله) تصور می‌کند که به او «وحی» می‌شود، بدون اینکه این امر واقعیت داشته باشد، و او برای توجیه این باصطلاح «وحی» به انواع خدعه‌ها و تزویرها متوسل می‌شود.

شیوه ریاست ملوک اینگونه مدینه‌ها، با عملکرد رؤسای مدینه فاضله متضاد است و طبعاً مردمی که در این مدینه‌ها زندگی می‌کنند ژرف‌فشارشان مغایر با طرز زندگی مردم در مدینه فاضله است.^{۱۹}

مختصری پیرامون تفسیر ابن رشد:

از متفکران اسلامی به ابن رشد (ابوالولید محمد بن احمد بن محمد بن رشد، ۵۲۰-۵۹۵ ه.ق) و تالیلات و «کمال مطلوب او از مدینه فاضله‌ای که تصویری از عالم بالا باشد»^{۲۰} اشاره شده است. او نیز همچون فارابی، البته تحت تأثیر افلاطون است و مانند او می‌کوشد تا اندیشه‌های افلاطون را با واقعیت‌های اسلامی مانوس کند و چنانکه اشاره شد «بر جمهوریت فلاتون تفسیری رنوشته است»^{۲۱} و در تطبیق اندیشه‌های افلاطون با شریعت اسلام در آن رساله کوششهایی معمول داشته است.

ابن رشد به صورت‌های تشکیکانه حکومت در جمهوریت افلاطون، دو صورت دیگر افزوده است.^{۲۲} وی آنچه را که افلاطون در چهارچوب نظام ایدئالی خود آورده، بسط داده است. فی‌المثل در شرح چگونگی تحقق مدینه فاضله، ابن رشد می‌گوید: آگاهی بر ماهیت فضائل حاصل شده به تنهایی کافی نیست، بلکه اجرا و به ثمر رسانیدن این فضائل شرط اصلی است. وی راههای نفوذ فضائل را در نفوس جوانان و شیوه‌های حفظ آنان از انحرفات و نیز زائل ساختن رذایل از ارشاد و بدکاران و دوباره‌سازی آنها را مورد بررسی قرار می‌دهد و در این راستا دو شیوه را پیشنهاد می‌کند:

۱- طریق اقناع، که توسط گفتار و بحث و استدلال و دیگر شیوه‌های نظری تأمین می‌گردد.

۲- طریق اکراه، که آخرین مرحله آن حرب و قتل است با دشمنان ملکات حسنه و اعمال نیکو و کسانی که ندای فضیلت را پاسخ نمی‌گویند.

طریقه قتل و حرب در معارضه با دشمنان خارجی مدینه فاضله نیز به کار گرفته می‌شود و در این صورت، دولت باید افرادی را که استعداد بدنی کامل و شجاعت کافی دارند، برای تحقق چنین مقصودی تربیت نماید و اساساً در فنون جنگ باید تأکید و تداوم بیشتری بکار

رود.

افرادی که بعنوان «نگهبان و لشکری» در تحقق هدف‌های نظامی انتخاب می‌شوند، در چهارصفت اصلی: قوت جسمی، سرعت حرکت، قدرت ادراک و تیزهوشی و محبت اقران اهل مدینه فاضله و دشمنی با مخالفان فضل و حقیقت‌باستی تربیت شوند. این پرورش از طریق ورزش و موسیقی حاصل می‌شود. ورزش صفات جسمی و شجاعت را در آنها تقویت می‌کند و موسیقی، نفس و ذهن آنها را برای پذیرش خصائل انسانی آماده می‌سازد.^{۲۳}

حکومت جهانی اخوان الصفا:

مدینه فاضله فارابی تأثیر خود را بر جای گذاشت و بازتاب‌های مستقیم و غیرمستقیمی بر پرستار اندیشه‌های «وحدت» در میان مسلمانان موجب شد.

اخوان الصفا در رسالات خود طرحی را مطرح می‌کردند که در آن «یک امپراطوری هماهنگ، یک حکومت جهانی، متشکل از اقوام، مذاهب و زبان‌های مختلف»^{۲۴} را نوید می‌داد.

تأثیر اندیشه‌های افلاطون و فارابی در ترکیب طرح آنها به چشم می‌خورد. ابن القفطی در این باب می‌گوید: آنها معتقد بودند که اگر فلسفه یونانی با دین عربی با هم ترکیب شوند، نتیجه‌ای رضایت‌بخش و کامل می‌تواند بدست آید.^{۲۵}

این اندیشه‌ها در میان مسلمانان که از تعصبات و ناروایی‌ها و نامردمی‌های رهبران حکومت‌های مملوک خویش بر جان آمده بودند، به سرعت شوعی می‌یافت. رسائل اخوان الصفا که نماینده آرمانی تازه و مبشر مدینه فاضله‌ای بدون تبعیض نژادی و طبقاتی و همی، برای تمام اقوام مختلف بود، بسرعت برای پایه‌ای جنبه فلسفی یافت.^{۲۶}

دولت اهل شر، و دولت اهل خیر:

اخوان الصفا در پی انتقال حاکمیت از «دولت اهل شر» به «دولت اهل خیر» بودند و با اعتقاد به اینکه... دولت اهل شر به نهایت رسیده است و هر چه در زدن به نهایت رسد، روی به انحطاط و نقصان می‌نهد و چون دولت و ملک، همواره از دسته‌یی به دسته‌یی و از قبیله به قومی دیگر منتقل می‌شود، دولت اهل شر، نیز به اهل خیر انتقال می‌یابد.^{۲۷}

حکومت اهل خیر به باور آنها از رهبری دین‌گسسی و گروهی، با آرمانی هماهنگ، بی‌سبزو مجادله، در پرتو همگامی و همکاری همه‌ی مردم با هم، تحقق می‌یافت.

اخوان الصفا گرچه با امتیازات و اختلافات طبقاتی مخالف بودند، اما از نظر توجه به رشد عقلانی و بینش

مراتب سنی برای پیروان خویش، مراتبی را رعایت می‌کردند و ارزش‌های ویژه‌ای منظور می‌داشتند.

بازتاب مدینه فاضله در شعر فارسی:

در میان شاعران پارسی‌گوی کمتر شاعری را می‌توان یافت که شعرش خالی از رنگ و بوی جهان آرمانی باشد. اما نظامی گنجوی و عبدالرحمن جامی، اولی در قبالنامه و دومی در خردنامه اسکندری، طرحی از مدینه فاضله آورده‌اند، که چهارچوبی بالنسبه مشخص دارد.

آرمانشهر نظامی گنجوی:

نظامی در تخیل نیرومند خویش، چشم اندازی بدیع و دلشین از شهر آرمانی خود بدست می‌دهد. جامعه مورد وصف نظامی، در شهر استقرار یافته است آینده‌آل، آرام‌بخش، دور از اضطراب و پلیدی، با آیین‌های مردم‌پسند، بهره‌مند از عدالت و راستی و سعادت، سرزمین سرسبز و بارور، با باغهای پردرخت و انبوه و گله‌های دام، که دیدار آن هر دلی را تازه و شادمان می‌سازد. مردمی دین‌دار که راستی و راست‌بازی را سر لوحه قول و فعل خود قرار داده‌اند و از کجروی و دروغ بیزارند. کشاورزی و دامداری، پایه‌اساسی اقتصاد جامعه است. روابط اجتماعی بر مبنای مساوات و برابری و عدل و داد است. اگر کسی دچار عجز و ناتوانی شود، جامعه فوراً به کمک او می‌شتابد زیان‌دیده را، هر یک از افراد جامعه به سهم خود کمک می‌کنند تا سرمایه‌اش به حد همگان برسد. چرا که هیچکس از آنان، نباید درمان و ثروت، افزون یا کم از دیگران داشته باشد:

ندارد ز ما کس ز کس مال بیش

همه «راست قسمیم»، در مال خویش

ایشان از درد و شکیبگر هراس ندارند و از همین روی در کوی و برزن آنها از ننگه‌بان و پاسبان خیری نیست. چون در فرهنگ آنها واژه‌ای بنام «تجاوز و دزدی» وجود ندارد. جامعه در هاله‌ای از قدرتی نیرومند و الهی حمایت و حراست می‌شود: کودکان، خود به خود بزرگ می‌شوند، گوسفندان از خطر گرگ مصون هستند و خرمن‌های آنان از دستبرد محفوظ است:

اگر گرگ بر میش ما دم زند

هلاکتش در آن حال بر هم زند

گراز گشت ما کس برد خوشه‌ای

رسد بردش تیری از گوشه‌ای

اما اینها همه موجب آن نیست که هر چیزی به حال خود رها شود. اصل بر تلاش و توانائی خود آنهاست. در فصل معین، همه کار می‌کنند، سینه‌ی زمین را می‌شکافتند و تخم می‌افشانند و آسوده خیالند تا فصل در و فرا رسد و آنگاه از برکت تلاش و کوشش و به یمن قلب صافی، از

در میان شاعران پارسی‌گوی کمتر شاعری را می‌توان یافت که شعرش خالی از رنگ و بوی جهان آرمانی باشد.



است و از این روی، کسی بیمار نمی‌شود:

خوریم آنقدر ماهیه از گرم و سرد

که چندان دیگر توانیم خورد

بقاء و استمرار جامعه در گروه یک مسئله مهم است: هرکس بقدر نیازی که دارد از ثروت جامعه بهره‌مند می‌شود. این دیدگاه نیرومند اقتصادی، حتی در استفاده از منابع طبیعی محیط زیست مورد توجه است:

بوقت نیاز آهو و غرم و گور

ز درها درآیند ما را به زور

از آن جمله چون درشکار آوریم

به مقدار حاجت به کار آوریم.

فی الواقع «آهو و غرم و گور» اشارتی سمبولیک به منابع محیط زیست است که در مصرف آن باید جانب اعتدال رعایت گردد.

مسئله مرگ نیز در این جامعه، بصورتی جالب و عارفانه حل شده است: اولاً کسی در جوانی نمی‌میرد. تنها پیران و افرادی که در عملکردی برخلاف قاعده طبیعی، دچار مرضی غیرقابل علاج هستند، به کام مرگ می‌افتند و مردن برای این دو دسته، امری طبیعی است، زیرا که جامعه چاره درمان آنها را نمی‌شناسد:

زما، در جوانی، نمیرد کسی

مگر پیر، که عمر دارد بسی

اما مهمتر از این، برداشت نظامی از فلسفه مرگ است. او مرگ را نیز یکی از قوانین عادی و طبیعی و فرایندی منطقی می‌شناسد و چنین است که از زبان اهل مدینه فاضله می‌گوید:

چو میرد کسی، دل نداریم تنگ

که درمان آن درد، ناید به چنگ ۳۳

هر دانه، هفتصد دانه محصول برداشت می‌کنند:

به ما آنچه از جای خود می‌رسد

ز هر دانه‌ای، هفتصد می‌رسد

آنچه می‌بینید خوبی و زیبایی است و هرگز کس را به بدی رهنمون نیستند. هیچکس از دیگری اضطرابی ندارد، کسی چیزی را از دیگری پنهان نمی‌کند، رازی در کار نیست:

پس کس نگوئیم چیزی نهفت

که در پیش رویش نیاریم گفت

تجسس نمازیم کانکس چه کرد

فغان بر نیاریم کانرا که خورد

هرکس موظف است خویش را کنترل کند. قراردادهای و گردش امور جامعه طوریت که نیازی به اتخاذ هیچ شیوه و سازمانی برای تقویت و تجسس افراد وجود ندارد. افراد خطا کار و پد در این جامعه جانی ندارند، زیرا که نظام جامعه آنها را سرعت طرد می‌کند:

کسی گیرد از خلق با ما قرار

که باشد چوما پاک و بهره‌یزگار

چو از سیرت ما دگرگون شود،

ز برگار ما زود بیرون شود.

مراقبت و رعایت اصول و ضوابط مشخص در خوراک و پوشاک، سلامت و بهداشت جامعه را تضمین کرده

زمانی که نظامی این طرح را در متن شاهکارهای خود گنجانیده است، گویا در غرب کمابیش، اینگونه آفرینش‌ها، آغاز می‌شده است. مدینه فاضله نظامی گنجوی، حداقل سیصد سال قبل از «یوتوپیا»ی تامس مور پرداخته شده است. «اتلانتیس نو»ی فرانسیس بیکن و «شهر آفتاب» کامپانلا چندین قرن پس از آن به وجود آمده‌اند.

شهر بی‌شور جامی:

چنانکه اشاره شد، نورالدین عبدالرحمان جامی نیز در «خردنامه اسکندری» از مجموعه مثنوی‌های «هفت اورنگ» طرحی از یک مدینه فاضله ارائه داده است. ویژگی‌های مردم این شهر «پاکیزه روزگار» بطور خلاصه چنین است:

از بیهوده‌گویی پرهیز دارند و چشم و گوش خود را از پلیدی و ناسزا فرو بسته‌اند و هیچکس در پی آزار دیگری نیست. از دیدگاه اقتصادی، بر جامعه آرمانی جامی نیز اصل برابری در مال و موقعیت اجتماعی حکمفرماست:

برابری هم، قسمت مالشان
موافق به هم، صورت حالشان
نه زیشان توانگر کسی نی فقیر
بریشان نه سلطان کسی نی امیر
هرکس دارای خانه‌ای است که در آن زندگی می‌کند
و خانه‌ها نیز در و بندی ندارند.

منابع و یادداشت‌ها:

- ۱- رجب‌نیا، مسعود: مدینه فاضله و نظر فارابی درباره آن. کتاب هفته. شماره ۷. ص ۱۵۰.
- ۲- تحت تأثیر همین روایات کهن، نظامی گنجوی «هفت پیکر» یا «بهرام‌نامه» را سرود. در روایت نظامی، بهرام‌گور هفت کلاه به هفت رنگ از هفت سیاره بنا کرد. (زرک: هفت پیکر).
- ۳- بهمن‌یشت، در سوم ۲۹ تا ۱۱. نقل از فرهنگ نام‌های اوستا، هاشم رضی. انتشارات فروهر، ۱۳۴۶.
- ۴- زرک: فرهنگ نام‌های اوستا و نیز: روایت فردوس از گنگ دژ در شاهنامه.
- ۵- فرهنگ نام‌های اوستا: صفحات ۹۵۹-۹۶۰. هفت دیوار در روایت پهلوی به صورت دیگری هم هست: یکی با سنگ، یکی با پولاد، یکی با آبگینه، یکی با سیم، یکی با زر، یکی با... و یکی با عقیق.
- ۶- برگرفته شده از فرهنگ نام‌های اوستا.
- ۷- عنایت، حمید: بنیاد فلسفه سیاسی در غرب. انتشارات دانشگاه تهران. چاپ دوم. ص ۵۸.
- ۸- مدینه فاضله در روایات اسلامی، از مجموعه مقالات تحقیقی و

زیک خانه هریک شده بهره‌مند

نه در بر در خانه‌هاشان نه بنده.

اقتصاد جامعه بر کشاورزی مبتنی است و شیوه‌های آن نیز از پدران به میراث مانده است. در اینجا نیز هر تخم، هفصد تخم باز پس می‌دهد.

آنها پادشاه و فرمانروا هم ندارند، چون در باور آنها، رسالت و تکلیف پادشاه، دفع ظلم است و استقرار عدل. و چون در این جامعه، این دو منظور تحقق یافته است، پس بطریق اولی به وجود پادشاه و حاکم نیز نیازی نیست. پیش از اخلاقی و فلسفی جامعه، زراوندوزی و جمع مال را ناشی از حرص و آز می‌داند، و ناسپار تکیه ثروت با طبیعت مردم قناعت پیشه آن سازگار نیست.

نکته قابل توجه دیگر این است که نظام حاکم بر جامعه آرمانی جامی، یک نظام انتخابی و اکتسابی نیست بلکه مقررات و الگوهای آن از پدران بصورت میراث مانده است. پنداری افراد جامعه از خود هیچ ابتکار و تحرکی ندارند:

نداریم از نخل کاری خبر
زن نخل پند چیده ایم این نمر

آرمانشهر جامی، چنانکه خود او اشاره کرده است «شهر بی‌شور» است. در آستانه هر خانه، گوری دهن و آفریده است. تا مردم هر لحظه با دیدن آن، مرگ را فریاد آورند:

به هر در فرو برده گودی مفاک
که بیننده را زان شدی سینه چاک

خاورشناسی، نه نقل از مجله کاوه (چاپ آلمان). شماره ۲۹، خرداد ۱۳۴۸.

۹- صاحب‌الزمانی، ناصرالدین: دیباجه‌ای بر رهبری، چاپ سوم، ۱۳۴۸. ص ۳۵۱.

۱۰- توند فارابی را ۲۶۰ هـ.ق نیز نوشته‌اند. زرک: هدایت‌نگاری افکار دو فیلسوف: ترجمه عبدالحسن مشکوة الدینی. نشر شورای عالی فرهنگ و هنر، ۱۳۵۳. ص ۲۰.

۱۱- صفای، ذبیح‌الله: نظری به تاریخ حکمت و علوم در ایران. شورای عالی فرهنگ و هنر، ۱۳۵۵. ص ۵.

۱۲- صاحب‌الزمانی: همان. ص ۳۵۲.

۱۳- فارابی، ابی‌نصر: آراء اهل مدینه فاضله. ترجمه و تحشبه دکتر سیدجعفر سجادی. انتشارات طهوری.

۱۴- برگرفته شده از: آراء اهل مدینه فاضله، همان.

۱۵- دانشنامه ایران و اسلام، شماره ۴. ذیل این رشد.

۱۶- نهرانی، علی: مدینه فاضله در اسلام، انتشارات حکمت، ص ۷ صورت‌های ششگانه حکومت نزد فلاطون عبارتند از: حکومت فاضله، حکومت ملکی و ستم‌نشین، حکومت اشرافی، حکومت ثروتمندان و اقلیت، حکومت اکثریت و نوده و حکومت استبداد

وقتی اسکندر از آنها در باب این گوردان گشاده‌سوال کرد:

بگفتند از بهر آن کنده‌ایم
که تا در فضای جهان زنده‌ایم
نه بنده لب خود زار شاد ما
دهد هر دم از مرده‌گی باد ما

برخی از ویژگی‌های جامعه آرمانی جامی، با آرمانشهر نظامی گنجوی متشابهند. تعاون اجتماعی، توزیع عادلانه و یکسان ضروریات زندگی، شیوه اقتصادی و بازرگی کشت و زرع‌گونی از شهر آرمانی نظامی نمونه‌برداری شده‌اند. اما برخلاف آرمانشهر نظامی، که سرتاسر تحرک و جوش و نعمت و شادی و صفاست، شهر بی‌شور جامی، جامعه‌ای است ایستا و راکد که شیوه‌های زندگی گویی ازلی و ابدی است و کوچکترین نشانی از تکامل و تغییر قانونمند طبیعت هم در آن نمی‌توان یافت. اسکندر از شهر جامی با دست خالی بازمی‌گردد، در حالیکه از جامعه آرمانی نظامی، آنچه را که سالها به دنبالش بوده، بدست می‌آورد.

• • •

بحث را با سخنی از والتر بنیامین حسن ختام بخشیم که:

... زمان، اساساً تقسیم‌ناشدنی است و بهین دلیل، زمان، مسیح موعود را در همه‌ی تاریخ می‌جوید. با این اعتبار، ناکجا آباد، در انتهای تاریخ قرار نگرفته، بل در هر لحظه‌ای که ستمدیدگان بدان می‌اندیشند، حضور دارد. وهایی، چیزی جز دیدن نشانه‌های رهایی نیست. ۱۱

شخصی. و دو صورت منقحه این رشد: حکومت طلب لذت: حکومت رفیع حوالج طبیعی است. (مدینه فاضله در اسلام)

۱۸- با استفاده از مدینه فاضله در اسلام، همان.

۱۹- دیباجه‌ای بر رهبری، ص ۳۵۳. باید توجه کرد که مدینه فاضله اخوان الصفا از نظر ساختار و محتوی به مدینه فاضله فارابی تفاوت‌های اساسی دارد.

۲۰- تاریخ الحکما، به نقل از: دیباجه‌ای بر رهبری، ص ۳۵۲.

۲۱- رسائل اخوان الصفا: نقل از دیباجه‌ای بر رهبری، ص ۳۵۶-۳۵۷. عنوان اخوان الصفا را نام مستعار نویسندگان مجید، رسائل آنان که بنام «رسائل اخوان الصفا و اخوان اوف» نام‌های برادران پاکیزگی و دوستان و قادر» مشهور است، دانسته‌اند. (نگاه کنید به: دانشنامه ایران و اسلام، ذیل اخوان الصفا).

۲۲- دیباجه‌ای بر رهبری، ص ۳۵۵.

۲۳- پندهای سمنانی: آرمانشهر نظامی گنجوی. محمدرضا شماره‌های ۲ و ۳، ۱۳۷۰.

و نیز: سخنرانی در کنگره بزرگداشت نهضت‌مئین سده بود نظامی گنجوی، تبریز، تمامی ابیات مندرج در متن از نسخه نظامی گنجوی، اقتالنامه، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم.

۲۴- بنیامین، والتر: نشانه‌ای به رهایی، ترجمه بابک احمدی، نشر ندر، ۱۳۶۶، ص ۸۸.